

بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض الحسنه

فرشته ملاکریمی خوزانی

۱. مقدمه

© یکی از عقود اسلامی که در تجهیز منابع کاربرد دارد، قرارداد قرض است. قرض عقدی است که به موجب آن مالی به شرط ضمان به ملکیت دیگری در می‌آید (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴، ص ۶۵۱) این قرارداد، قراردادی غیرانتفاعی به شمار می‌آید که به دلیل اهداف خیرخواهانه و انسانی مورد سفارش اسلام قرار گرفته است و برای آن پاداش معنوی و اخروی در نظر گرفته شده است (موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۷، ص ۸۲). شریعت اسلام به منظور تحقق این اهداف و رشد معنوی جامعه، هرگونه شرط زیادی در قرض را ربا و حرام اعلام کرده است، چه اینکه متعاقبین به این زیادی تصریح کنند یا آن را به صورت شرط در ضمن عقد قرض بگنجانند، هر چند هنگام قرض به آن تصریح نکنند (نجفی، محمدحسن، ۱۴۱۵ق، ص ۵). در حقیقت ربای قرضی، قرارداد قرضی است که در آن شرط زیاده شده است. حرمت این نوع ربا از مسلمات فقه است و دلایل زیادی از کتاب و سنت در رابطه با آن وجود دارد. به جهت چنین حرمتی، فقها قرض‌گیرنده را تنها موظف به بازپرداخت همان مقداری می‌دانند که قرض گرفته است و به قرض‌دهنده حق مطالبه بیش از آن را نمی‌دهند. ایشان در تعریف عقد قرض تصریح کرده‌اند «آنچه که بر عهده قرض‌گیرنده قرض می‌باشد، این است که تنها عین مال یا مثل و یا قیمت آن را به قرض‌دهنده باززد» (خمینی، روح‌الله، همان).

بر مبنای این رویکرد فقهی، قرارداد قرض در ماده ۱۵ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز این‌گونه تعریف شده است: «قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید».

حال با توجه به غیرانتفاعی بودن عقد قرض و حرمت هرگونه اشتراط زیاده و نفع در آن، برآنیم تا نحوه عملکرد صندوق‌های قرض الحسنه در ارائه تسهیلات قرض الحسنه به شرط سپرده‌گذاری و



قرض الحسنه عقدی

است که به موجب

آن یکی از طرفین

(قرض دهنده) مقدار

معینی از مال خود

را به طرف دیگر

(قرض گیرنده)

تملیک می کند که

قرض گیرنده مثل

یا در صورت عدم

امکان، قیمت آن را

به قرض دهنده رد

کند

قرض الحسنه باشد ولی همه آنها اخلاقاً مقررات آن صندوق را رعایت کنند بی آنکه تعهد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پول ها به صورت وام داده نشود بلکه به صورت هبه باشد، ولی در واقع هبه معوضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم به موقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود» (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷ ق، ج ۲، ص ۵۸۹).

البته ایشان در جای دیگری می فرمایند: «در ابتدا چنین به نظر می رسد که این شرط (بانک، وام را مشروط به واریز کردن مبلغی در حساب وام دهنده می کند که مثلاً بعد از مدتی دو برابر آن را وام دهد) مشمول «شرط» ممنوعه در قرارداد قرض است و مطلقاً حرام است ولی با دقت و تأمل روشن می شود که این شرط دو صورت دارد، نخست اینکه مقصود و غرض وام دهنده جلب منفعت و تجارت با آن پول است که در این صورت قطعاً حرام است. دوم اینکه منظور او توسعه قرض الحسنه باشد و بخواهد بدین ترتیب به افراد بیشتری وام دهد که در واقع شرط منفعت برای شخص ثالث می شود و اشکالی نخواهد داشت» (همو، ۱۳۷۶، ص ۶۹).

آیتاله فاضل نیز در پاسخ به سؤالی در رابطه با حکم وام هایی که بعضی از بانک ها یا مؤسسه ها می دهند مشروط به اینکه وام گیرنده قبلاً مبلغی پرداخت کرده باشد، فرموده اند: «مبلغی را که وام گیرنده، اول می دهد، به عنوان قرض نیست، بلکه به عنوان سرمایه گذاری و مشارکت است لذا اشکال ندارد، بلی در همین مورد چنانچه مبلغی را که اول می دهند به عنوان قرض و مشروط بر این بدهند که به آنها وام بدهند در این صورت، قرض ربایی محسوب شده و جایز نیست» (لنکرانی، محمدفاضل موحدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۹۰).

در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز این رویکرد برای بانک ها مجاز شمرده شده است. بر اساس ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۸ بانک ها می توانند بدون تعهد و عنداللزوم هر یک یا تمام امتیازات زیر را طبق ضوابط شورای پول و اعتبار به دارندگان سپرده های قرض الحسنه اعطا کنند:

می کرد، اقدام به سپرده گذاری در قالب عقد قرض می کند. یعنی اگر صندوق شرط اعطای تسهیلات را در قبال مدت و میزان سپرده گذاری حذف کند، سپرده گذار اقدام به سپرده گذاری نمی کند. در واقع سپرده گذار به این شرط سپرده گذاری می کند که تسهیلات قرض الحسنه به وی پرداخت شود و یا به عبارت دیگر صندوق، به شرطی تسهیلات قرض الحسنه به افراد پرداخت می کرد که سپرده قرض الحسنه متناسب آن تسهیلات را قبل از آن در حساب خود داشته باشند. در صورت تبیین و تعریف مسأله بدین صورت و بر اساس قاعده کلی «کل قرض یجر نفعاً فهو ربا» (هر قرضی منجر به منفعت شود رباست)، چون با توجه به اینکه هر دو عقد (سپرده گذاری و اعطای تسهیلات) در قالب عقد قرض تعریف می شوند و پرداخت هر کدام از آنها منوط و مشروط به دیگری است، مصداق اشتراط منفعت و ربای قرضی می باشند. منفعت مشروط در عقد قرض منحصر به پرداخت زیاده نقدی و یا غیرنقدی نیست و هر نوع عملی که نفعی از آن حاصل شود (مانند انجام یک کار مشخص و یا حتی اعطای قرض متقابل) را شامل می شود. بر این اساس برخی مراجع حکم به حرمت چنین عملیاتی کرده اند.

امام خمینی (ره): «اگر دادن پول به صندوق به عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هر دو طرف صحیح می باشد» (خمینی، روح اله، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۰۵).

آیتاله گلپایگانی: «اگر قرض گیرنده قبلاً مبلغ معینی را به بانک می دهد (البته این عمل، قرض دادن به بانک است) به شرط آنکه بعد از مدتی بانک مثلاً دو برابر به او قرض دهد این قرض دادن به بانک ربا و حرام است» (گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۰۹ ق، ص ۹۲).

– رویکرد دومی که نسبت به این موضوع بیان شده، بدین ترتیب است که اگر ضمن عقد قرض، عقد قرض (منفعت) دیگری شرط شود، این مصداق زیاده حکمیه و رباست، در فرض مسأله، هر چند میزان و مدت سپرده گذاری در اعطای تسهیلات قرض الحسنه مؤثر است اما اگر هیچ گونه اشتراط الزام آوری انجام نشود و در واقع مؤسسه تعهدی در قبال پرداخت وام قرض الحسنه نداشته باشد بلکه صرفاً مقاوله ای انجام گیرد و معیارهای صندوق در پرداخت وام به گونه ای تبیین شود که در صورت امکان و وجود وجوه مازاد، تسهیلات قرض الحسنه پرداخت شود، این فرایند اشکالی ندارد. برخی از مراجع معظم با چنین رویکردی یعنی عدم اشتراط سپرده گذاری در عقد، حکم به جواز مسأله کرده اند. آیت الله مکارم شیرازی: «اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد؛ تنها راه صحت آن این است که قصد همه وام

دریافت کارمزد در تسهیلات قرض الحسنه را مورد بررسی قرار دهیم. این دو موضوع از مسائلی است که به زعم برخی از مراجع مصداق شرط انتفاع در عقد قرض است و بر همین اساس حکم به حرمت آن کرده اند.

۲. بررسی فقهی ارائه تسهیلات قرض الحسنه به شرط سپرده گذاری

یکی از ابزارهای تجهیز منابع در صندوق های قرض الحسنه که همواره در این مؤسسات مورد استفاده قرار گرفته است، پرداخت تسهیلات قرض الحسنه بر اساس مدت و میزان سپرده گذاری متقاضی دریافت تسهیلات قرض الحسنه، می باشد که در واقع ابزاری تشویقی برای جذب هر چه بیشتر سپرده های قرض الحسنه در این مؤسسات است. چگونگی تأثیر مدت و میزان سپرده قرض الحسنه در تعیین میزان وام پرداختی و تعداد اقساط آن از یک روش واحدی پیروی نمی کند و در مؤسسات مختلف، متفاوت بوده است.

چگونگی ابراز و اعلام معیار پرداخت وام بر این اساس نیز در مؤسسات مختلف دارای تمایزات بسیاری است. در برخی مؤسسات هیچ گونه اعلامی به اعضا نمی شود و تنها به این «مقاله» بسنده می شود که هر چه کار کرد حساب پس انداز شما بیشتر باشد، وام قرض الحسنه بیشتری به شما تعلق می گیرد. در برخی دیگر از این مؤسسات نه تنها به صراحت در مورد نحوه محاسبه امتیاز وام بر اساس مدت و میزان سپرده گذاری سخن گفته می شود، بلکه بر اساس جداولی نیز این معیارها به اعضا ارائه می شود.

در مورد مشروع بودن یا نبودن این گونه فعالیت های واسطه گری وجوه، بین علما و مراجع عظام تقلید، اختلاف فتوا وجود دارد و حرمت این نوع عملکرد مورد اجماع مراجع عظام نمی باشد. در حکم این موضوع دو رویکرد وجود دارد:

– رویکرد اول که حکم بر حرمت این عملیات مالی می دهد، این گونه موضوع را تبیین می کند که در صندوق فرد سپرده گذار بر اساس اشتراط و تعهدی که صندوق در مورد اعطای تسهیلات قرض الحسنه

را به نام کارمزد بگیرند» (خمینی، روح اله، همان، ص ۹۱۶).

آیتاله مکارم: «منظور از کارمزد، حق الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حساب‌ها و سایر خدمات انجام می‌دهند، داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود مانعی ندارد و بقیه نیز صرف کارمندان و هزینه‌های جاری می‌شود» (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۰۴).

آیتاله فاضل لنکرانی نیز در رابطه با أخذ کارمزد در جهت تأمین مخارج صندوق‌های قرض الحسنه مثل حقوق کارمندان، اجاره ساختمان و ... فرموده‌اند: «پولی که برای امور مذکور با رضایت وام‌گیرندگان دریافت می‌شود، مانعی ندارد و دارای مشروعیت است» (لنکرانی، محمدفاضل موحدی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲).

در مقابل این گروه از فقها، برخی نیز با این استدلال که أخذ کارمزد در واقع شرط زیادی در قرض است، رأی به عدم مشروعیت آن داده‌اند.

آیتاله بهجت نیز در پاسخ به سؤالی در رابطه با حکم أخذ کارمزد به مقدار یک تا پنج درصد مبلغ وام توسط برخی از صندوق‌های قرض الحسنه می‌فرمایند: «این همان ربا است؛ مگر معامله شرعیه‌ای در قبال کارمزد معین انجام گیرد، به شرط وام» (بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۸۹).

آیتاله صافی گلپایگانی: «اگر وجهی را که صندوق قرض می‌دهد ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است» (صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

آیتاله تبریزی: «گرفتن زیادتر از مقدار قرض داده شده به عنوان کارمزد صحیح نیست، چون کارمندان که در صندوق کار می‌کنند، اجیر سهامداران صندوق هستند و در ذمه آنها مالک اجرت می‌باشند و دیگر نمی‌توانند اجیر برای قرض‌گیرندگان شوند و در ازای آن اجرت بگیرند. بنابراین آنچه به عنوان کارمزد گرفته می‌شود در واقع زیاده‌ای است که به ملک صاحبان سهام وارد می‌شود که آن را صرف در مخارج صندوق از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مثل آن کرده و بقیه را برای خود برمی‌دارند و این شرط زیادی در قرض است و موجب آن می‌شود که قرض مزبور ربوی و حرام شود» (تبریزی، جواد، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱).

در مجموع از کلام فقها در رابطه با أخذ کارمزد، سه نظریه به دست می‌آید.

- ۱- دریافت کارمزد از جواز شرعی برخوردار است. صاحب این نظریه آیتاله مکارم است.
- ۲- دریافت کارمزد در صورتی که با رضایت طرفین باشد، مشروع است. امام خمینی (ره) و آیتاله فاضل (ره) از طرفداران این نظریه می‌باشند.
- ۳- دریافت کارمزد مصداق زیاده در قرض و حرام است. آیات عظام بهجت، تبریزی و صافی

الف. اعطای جوایز غیر ثابت نقدی و یا جنسی
ب. تخفیف یا معافیت از پرداخت کارمزد خدمات بانکی
ج. دادن حق تقدم برای استفاده از تسهیلات بانکی.

لذا به نظر می‌رسد هر منفعتی در عقد قرض مصداق ربا نیست بلکه اشتراط منفعت منجر به ربا می‌شود. (استحباب پرداخت وجهی علاوه بر اصل مبلغ قرض توسط قرض‌گیرنده نیز دلیل دیگری بر این مدعاست).

بنابراین حتی اگر رویکرد اول که حکم بر حرمت عملیات مالی موصوف داده شده را ملاک قرار دهیم، آنچه مسلم است این است که هر دو عقد سپرده‌گذاری و اعطای تسهیلات عقد قرض باشد و اگر شکل عقود تغییر کند حکم نیز تغییر می‌کند؛ حتی اگر یکی از عقود هم تغییر کند، حکم مسأله عوض می‌شود.

اما در صورتی که نوع سپرده غیر قرض الحسنه باشد، در قالب سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و یا بلندمدت قابل تصور است. نوع عقد در این سپرده‌ها، عقد وکالت است. عقد وکالت عقدی جایز است که شروط ضمن آن نیز الزام‌آور نمی‌باشد اما عمل به شروط آن خالی از اشکال است. البته می‌توان ضمن عقد خارج لازم شروط ضمن عقود جایز را لازم‌الوفاء و الزام‌آور کرد. بدین ترتیب اگر انتفاعی ضمن عقد وکالت شرط شود که در فرض ما، اعطای تسهیلات حتی تسهیلات قرض الحسنه است، این انتفاع به علت اینکه ضمن عقد قرض شرط نشده، از دایره تعریف ربا خارج می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد، اعطای تسهیلات بر اساس مدت و مبلغ سپرده سرمایه‌گذاری مشتریان در مؤسسات مالی و اعتباری بلا اشکال است.

۳. بررسی فقهی اخذ کارمزد در تسهیلات قرض الحسنه

صندوق‌های قرض الحسنه برای تأمین هزینه‌های مختلف خود چون هزینه پرسنل، آب، برق و تلفن مبلغی را تحت عنوان کارمزد از مشتریان خود دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه ماهیت فقهی قرارداد قرض، قرض بدون بهره است و مؤسسات قرض الحسنه نباید در مقابل پول قرض داده شده سودی بگیرند، این شبهه پیش می‌آید که دریافت کارمزد مصداق زیادی در قرض باشد؟

فقها در پاسخ به این شبهه موضع‌گیری متفاوتی داشتند. برخی از ایشان حکم به جواز و برخی حکم به عدم جواز آن کرده‌اند. فقهایی که رأی به مشروعیت این مسأله داده‌اند، أخذ کارمزد را در صورتی که به نحو عقلایی و با توافق طرفین باشد، بدون اشکال می‌دانند.

امام خمینی: «چیزی را که صندوق‌های قرض الحسنه به عنوان کارمزد و حق الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می‌گیرند اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات و هزینه‌های بانک باشد نه اینکه همان سود پول

اگر مقصود و غرض وام‌دهنده، توسعه قرض الحسنه باشد و بخواهد بدین ترتیب به افراد بیشتری وام در روش ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری دهد، شرط منفعت برای شخص ثالث محسوب می‌شود و اشکال شرعی نخواهد داشت

گلیپایگانی از این نظریه دفاع کرده‌اند.

البته طرفداران نظریه سوم برای دریافت مشروع کارمزد، راهکارهایی ارائه کرده‌اند. آیت‌اله تبریزی در بیانی مبسوط فرموده‌اند: «راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان سهام دفترچه‌هایی (به عنوان دفترچه اقساط) تهیه کنند که مالیت داشته باشد، هر چند مالیت آن فی‌نفسه کم باشد و هر یک از آن دفترچه‌ها را به قرض گیرنده به مبلغ آن زیادی که می‌خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمن این بیع شرط شود که به آنها فلان مقدار قرض بدون بهره بدهند و دفترچه مزبور هر چند فی‌نفسه به آن مقدار ارزش ندارد، لکن با شرط قرض به همان مقدار (که در مقابل آن قرار داده می‌شود) ارزش پیدا می‌کند و الله العالم» (تبریزی، جواد، همان).

راهکاری که ایشان به صورت تفصیلی بیان کرده‌اند، همان راهکاری است که آیت‌اله بهجت در فتوای خود (که از نظر گذشت) به صورت اجمالی اظهار داشته‌اند.

آیت‌اله صافی گلیپایگانی در این زمینه می‌فرماید: «اگر وجوهی که قرض داده می‌شود ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبان وجوه و واسطه‌گی بین طرفین را در وقوع معامله عهده‌دار باشد می‌تواند آنچه را برای انجام معامله هزینه می‌نماید و همچنین حق‌العمل واسطه‌گی خود را برای اداره امور صندوق و استمرار عمل آن از قرض گیرنده دریافت نماید و بدون قبول آن از طرف قرض گیرنده معامله را انجام ندهد و اگر وجوهی که به قرض داده می‌شود، ملک صندوق باشد و قرض و استقراض متوقف بر عملی باشد که عرفاً مالیت داشته باشد، مثل نوشتن سند و نگهداری حساب و صندوق به درخواست قرض گیرنده نه شرط و الزام بر او آن عمل را انجام دهد یا اوراقی را مصرف نماید قرض گیرنده باید اجرة المسمی یا اجرة المثل عمل صندوق و بهای اوراق را بپردازد، مع‌ذلک گرچه با هر یک از این دو راه و راه‌های دیگر از جمله فروش دفترچه حساب به متقاضی وام می‌توان به‌طور مشروع مخارج صندوق قرض‌الحسنه را تأمین کرد، سزاوار است برای اینکه این اقدام خیر کامل و موجب اجر و ثواب بیشتر و اعانت زیادتر به ضعفا گردد، مخارج صندوق را مؤمنین از تبرعات و هدایا به صندوق یا معاملات مشروع دیگر تأمین کنند و از قرض گیرنده به‌طور مشروع هم وجهی بیش از اصل قرض نگیرند» (صافی گلیپایگانی، لطف‌اله، همان).

شهید صدر نیز در این باره معتقد است اگر بانک وکیل سپرده‌گذار باشد؛ یعنی سپرده‌گذار با افتتاح حساب جاری و عملیات سپرده‌گذاری به بانک و کالت می‌دهد که وجوه او را به متقاضیان تسهیلات قرض دهد. در این تفسیر، بانک مالک سپرده نخواهد بود بلکه واسطه‌ای بین قرض‌دهنده (سپرده‌گذار) و وام‌گیرنده خواهد بود و می‌تواند در برابر کاری که می‌کند، کارمزد دریافت کند؛ البته از این کارمزد به سپرده‌گذار هیچ نمی‌رسد (صدر، سید محمدباقر، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۷۹).

از کلام این فقهای بزرگوار، سه راه‌حل برای حل مشروعیت اخذ کارمزد استنباط می‌شود:

۱. دریافت کارمزد تحت عنوان ثمن دفترچه اقساطی که در یک عقد بیع به فرد فروخته می‌شود و اشتراط اعطای قرض بدون بهره در ضمن همان عقد بیع.

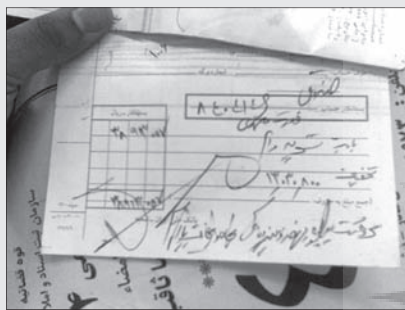
۲. در فرضی که صندوق وکیل صاحبان وجوه است و واسطه‌گری بین طرفین را در وقوع معامله عهده‌دار باشد می‌تواند در قبال هزینه‌هایی که برای عقد معامله متحمل می‌شود و نقش واسطه‌گری خود، مبلغی را به عنوان کارمزد دریافت کند.

۳. در فرضی که صندوق، مالک وجوه قرض داده شده است، می‌تواند در قبال اموری مثل نوشتن سند و نگهداری حساب کارمزد دریافت کند، البته این مسأله نباید به صورت شرط در قرارداد باشد.

در نهایت با توجه به آراء فقها و استفاده از راهکارهایی که ارائه کرده‌اند، می‌توان دریافت کارمزد توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه را مشروع دانست. البته رعایت این نکته بسیار ضروری است که از طریق تعیین روش محاسبه کارمزدها به صورت روشن می‌بایست از سوءاستفاده برخی مؤسسات اعتباری پیش‌گیری کرد. زیرا شیوه محاسبه کارمزد در برخی مؤسسات بدین صورت است که با سوءاستفاده از شفاف نبودن فرمول محاسبه، کارمزد چهار درصد را در عمل هشت درصد دریافت می‌کنند. بنابراین این مسأله نباید به عنوان پوششی برای دریافت سود و بهره به کار گرفته شود، زیرا یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری اسلامی با بانکداری ربوی این است که بانک اسلامی (غیرربوی) در جایگاه عامل فعالیت می‌کند و درآمد خود را نه بر اساس بهره و سود، بلکه بر اساس مزد کار (کارمزد، حق‌الوکاله) تعریف می‌کند (صدر، سید محمدباقر، همان، ص ۱۱).

۴. جمع‌بندی

اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری با شبهه ربوی بودن مواجه است و گنجاندن چنین شرطی در ضمن عقد قرض غیرمشروع است. البته در فرض مسأله، هر چند میزان و مدت سپرده‌گذاری در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه مؤثر است اما اگر هیچ‌گونه اشتراط الزام‌آوری انجام نشود و صرفاً مقاوله‌ای انجام گیرد و معیارهای صندوق در پرداخت وام به‌گونه‌ای تبیین شود که در صورت امکان و وجود وجوه مازاد، تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت شود، این فرایند اشکالی ندارد. راه دیگری که برای مشروعیت این مسأله وجود دارد، این است که پول‌ها به صورت وام داده نشود، بلکه به صورت هبه باشد. یکی دیگر از مسائلی که با شبهه ربوی بودن روبه‌رو است، مسأله دریافت کارمزد از مشتریان توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه است. اظهارات بسیاری از فقها این شبهه را مرتفع کرده است بدین صورت که اگر کارمزد به عنوان حق‌الزحمه و در قبال هزینه‌های مؤسسه، اموری چون سندنویسی و نگهداری حساب، نقش واسطه‌گری آن و یا به عنوان ثمن دفترچه اقساط دریافت شود، عاری از اشکال شرعی است و با شبهه ربا برخورد نمی‌کند. ●



فهرست منابع و مآخذ

۱. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). استفتانات، جلد سوم. قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
۲. تبریزی، جواد. (۱۳۸۵). استفتانات جدید، جلد اول. قم: دفتر حضرت آیت‌الله جواد تبریزی.
۳. خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۴). تحریرالوسیله، جلد اول. قم: مؤسسه دارالعلم.
۴. خمینی، سید روح‌اله. (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل (محشّی - امام خمینی) جلد دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۱ق). البینک اللاربوی. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۶. گلیپایگانی، سیدمحمدرضا. (۱۴۰۹ق). مجمع المسائل، جلد دوم. قم: دارالقرآن الکریم.
۷. گلیپایگانی، لطف‌الله صافی. (۱۴۱۷ق). جامع الأحکام، حضرت معصومه (س)، جلد دوم. دفتر حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلیپایگانی.
۸. موحّدی لنکرانی، محمدفاضل. (۱۳۷۶). جامع المسائل، جلد دوم. قم: امیر قلم.
۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶). ربا و بانکداری اسلامی. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتانات جدید، جلد دوم. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
۱۱. موسویان، سیدعباس و فیروزآبادی، سید محمد. (۱۳۸۷). بانکداری در آئینه شریعت، قم: انتشارات وثوق.
۱۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۵ق). جواهرالکلام، جلد ۲۵. بیروت: داراحیاء التراث العربی.